

[illegible]

تلنگر

تن مقابل تانک

شایه‌هیچ‌کس‌فکرش را نمی‌کرد که ماجرای جنگ روسیه و اوکراین تا این حد ادامه‌دار شود. وقتی که قشون روسی لب‌مرز اوکراین صف کشیده بودند، نهایت

شایه‌هیچ‌کس‌فکرش را نمی‌کرد که ماجرای جنگ روسیه و اوکراین تا این حد ادامه‌دار شود. وقتی که قشون روسی لب‌مرز اوکراین صف کشیده بودند، نهایت

نظر بیشتر کارشناسان این بود که این صفا‌آزاری حتی اگر به حمله نظامی منجر هم شود و نتیجه‌اش هر چه باشد چند صبحی بیشتر طول نمی‌کشد اما چیزی که اکنون در رسانه‌های اجتماعی دنیا دست‌به‌دست می‌شود، همچنان جنگ است و قاب‌های غربی که البته در هر جنگی ردی از آنها هست اما در جنگ اوکراین به همان دلیل معروف رنگ چشم، بیش از بقیه جاها رسانه‌ای می‌شود. یکی از قاب‌های غربی که از این معرکه رسانه‌ای شد و می‌شود، نمایی است از مردمی که دست‌به‌دست هم داده و راه را بر تانک‌های نظامی بسته‌اند. جالب‌تر این که تانک‌های نظامی هم مقابل سد انسانی متوقف شده‌اند و کار کاروان نظامی به دلیل یک زنجیره آدم غیرنظامی مختل شده است. ایستادن آدم‌های غیرنظامی مقابل تانک‌های نظامی از آن قاب‌های غربی است که در بیشتر جنگ‌هایی که یک سرشان به منطقه مسکونی می‌خورد، دیده می‌شود و در بیشتر موارد هم کارساز بوده‌اند.

یکی از حیرت‌انگیزترین قاب‌هایی که از انتفاضه فلسطین برداشته شده، تصویر کودکی است که اکتبر ۲۰۰۰ مقابل یک تانک رژیم صهیونیستی ایستاده به پرتاب یک تکه سنگ، این عکس در زمان خودش هم احساسات مردم را از سراسر دنیا برانگیخت و یکی از دلایل رسانه‌ای شدن درگیری سال ۲۰۰۰ غزه بود.

از قاب‌های دیگری که ایستادن مردم غیرنظامی مقابل تانک‌های نظامی را نشان می‌دهند و واقعا هم در کار نظامی اخلال ایجاد کرده‌اند می‌شود به مصر سال ۲۰۱۱ و ترکیه سال ۲۰۱۶ اشاره کرد؛ تصویر مرد مصری که مقابل ماشین نظامی آپ‌پاش ایستاده و با این که فشار آب دارد تقریبا به عقب پرتش می‌کند، کاروان سرکوب مردم انقلابی مصر را مختل کرده است یا مرد ترکی که مقابل یک تانک نظامی در خیابان دراز کشیده تا با دست خالی جلوی کودتای نظامی در ترکیه بایستد. جنگ‌ها تمام می‌شوند و این قاب‌ها به جا می‌مانند تا به ما یادآوری کنند انسان‌های غیرنظامی از تمام ادوات و ماشین‌های نظامی قوی‌ترند.

میتام اسماعیلی

روزنامه‌نگار

اسفند از نیمه گذشته و نوروز نزدیک‌تر از همیشه است. پس از دو نوروز کرونایی حالا از جنب و جوش خیابان‌ها و بلبشوی ترافیک هم می‌توان متوجه نزدیکی بهار شد. سیل دستفروشان در خیابان‌ها گسترده شدن بساط فروش ماهی و جوجه‌های بیچاره رنگ شده و البته جولان موزون حاجی‌فیروزها پشت چراغ‌قرمز هر چهارراهی. اگر پیش‌ترها رقص پرستوها را نشانی از نزدیکی بهار می‌دانستیم حالا آسمان تهران که خالی از پرند است و نمادهای آغاز بهار در حاشیه پیاده‌روها و میانه خیابان‌ها به چشم می‌آیند. حاجی‌فیروز یکی از نمادهای هویتی هنرهای نمایشی ایران است، پیشینه‌ای طولانی دارد و یادآور خوشی و میمونی و مبارکی بوده است اما حالا مواجهه ابتدایی شهروندان با شمایل سیاه‌شده و سرخ‌پوش آنها تنها یک چیز است و آن هم «تکدی‌گری» حاجی‌فیروز در خیابان است. به این معنا که اولین چیزی که ما حالا بدیدیم حاجی‌فیروز به یادمان می‌آید «گدایی» است. از حجم بالای تعداد این افراد در خیابان‌های این روزها هم می‌توان متوجه شد که شهروندان هم با این قصه کنار آمده‌اند اما چرا سمبل هنر آیینی و نمایشی ما کاسه گدایی به دست گرفته است؟ چرا بایانوئل در سراسر جهان ما را به یاد کریسمس می‌اندازد و همواره سوار بر سورتمه خود هدیه و دهش به همراه دارد اما حاجی‌فیروز برای ما نشانی از گدایی و بستانکاری است؟

پیام‌آور شادی، نماد فلاکت! حاجی‌فیروز یک چهره افسانه‌ای در فولکلور ایرانیان است که از قرار در نخستین روزهای هر سال، در کنار عمو نوروز، به شهرها می‌آید تا از آمدن نوروز به مردم آگاهی بدهد. او یک مرد لاغر اندام و سیاه‌رخ، با کلاه دوکی، گیوه‌های نوک‌تیز و جامه سرخ است که با دایره‌زنگی و تنبک، به خیابان‌های می‌آید و به رقص، شیرین‌کاری و خواندن آواز کوبه‌ای می‌پردازد. این تعریف خلاصه‌ای است که از شخصیت حاجی‌فیروز ارائه می‌دهند. آن‌طور که پژوهشگران این عرصه گفته‌اند حاجی‌فیروز نگاهی از ژرفا و عمق دارد و نماینده مردم ستم‌دیده و رنج‌کشیده است. حاجی‌فیروز یا «خواجه‌پیروز» از این‌که در میان مردم صلح و شادی وجود دارد خوشحال می‌شود و با رک‌گویی، آزاد یخواهی، بذله‌گویی و صفا و صمیمیتی که دارد در میان مردم محبوب است. اما این تعریف با آنچه امروز شاهد آن هستیم چقدر تفاوت دارد؟ در گذشته همواره عنوان شده که حاجی‌فیروز پیام‌آور شادی است اما حالا این

بستر برای عرضه‌نداشته و شهروندان آن را ندیدند که آرام‌آرام این تحریف‌ها جای حقیقت وجودی نقش آنها را در جامعه گرفته است. او به جام جم می‌گوید: «سیاه، حاجی‌فیروز یا مبارک بخشی از سمبل هویت فرهنگی ایران است. جایگاه‌هنری و شان فرهنگی آن هم بسیار بالاست اما حتی در جمع فرهیخته‌تر جامعه نگاه مبتذلی به آن می‌شود. به این معنا که این قشر هم به نوعی تمشای این نمایش‌ها را دور از شان هنری خود می‌دانند. در حالی که می‌دانیم یکی از بنیان‌های نمایشی ایران روی دوش این شخصیت هاست.»

مبارک ماو بایانوئل آنها

قصه سرگردانی مبارک در خیابان‌های سرد این روزها وقتی تلخ‌تر است که بدانیم مشایهان غربی این شخصیت‌ها

کافه میرداماد

از جایگاه والایی در فرهنگ عامه آن جوامع برخوردارند. هر سال در آستانه سال نوی میلادی تعداد قابل‌توجهی از محصولات سینمایی حول محور شخصیت بایانوئل می‌گردد. این خوراک فرهنگی ویژه کودکان غربی است. آن‌قدر که برای آنها نقشی فراتر از قصه و بهار دارد و تمامی شادمانی آغاز سال نو بستگی به پیدا شدن بایانوئل دارد. اما آن‌طور که صفاری‌نژاد می‌گوید: «نه تنها برای کودکان ما که برای بسیاری از افراد جامعه هنوز هیچ تعریفی از حاجی‌فیروز وجود ندارد. هیچ محصول سینمایی، برنامه نمایشی و انیمیشنی نیست که به محویت شخصیت حاجی‌فیروز ساخته شود. تلخ ماجرا این است که هنوز هم با معرفی درست این شخصیت مخاطب نسبت به آن همدان‌پنداری می‌کند. نشانه‌اش نمایش‌هایی است که روی صحنه سنگلج می‌رود و سالن را در همین شرایط گرفتاری معیشتی پر می‌کند.»

فرهنگی که فراموش شد

بی‌توجهی، فراموشی می‌آورد. فراموشی فرهنگ هم یعنی یک بی‌هویتی محض. هویت فرهنگی ما بسته به این نمادهاست. چطور هنوز زبان فارسی در همه این روزها تاب آورده، چگونه موسیقی سنتی ما، آواز کلاسیک ایرانی در همه تغییرات و یکسان‌سازی‌های فرهنگی تاب آورده تا نشانی از ایرانی بودن ما باشد؟ پس چرا حاجی‌فیروز مبارک به چنین سرنوشت تلخی دچار شده‌اند؟ چرا به راحتی فراموش شده‌اند و نسل‌های آینده هیچ تصویری از این نماد نخواهند داشت؟ این پژوهشگر نمایش ایرانی معتقد است چیزی که حالا چندان‌ساز است در خیابان‌ها شاید آن هستیم گدایی است نه هنر نمایشی! او به جام جم می‌گوید: «همین آدم‌ها در زمان جشن هزاره شاهنامه نقالی می‌کنند! در حقیقت نقالی نمی‌کنند اما لباس نقال‌ها را تن می‌کنند و برای کسب سود در پیاده‌روها معرکه می‌گیرند. این حاصل بی‌توجهی نهادهای فرهنگی است که راه‌برای چنین تحریفی باز گذاشته‌اند. راهکار درستش مقابله با این افراد نیست که آنها تنها صورت مساله هستند. راهکار بنیادینش معرفی درست نمادهای فرهنگی این سرزمین به کودکان و

آنها در برابر برخی از اخبار است. آنها معمولا پس از این خبر می‌گویند «بعد از این همه چیز تکرار خواهد بود» اما جریانه‌ها اتفاقاتی که آن را نیازمند پژوهش‌های جدی در برابر جرایب جریان این اتفاقات می‌کنند. به این آمارها دقت کنید با این پیش‌فرض که این آمارها مربوط به همین ماه اسفند است. سرپرست اورژانس تهران گفته است از ۲۰ هزار و ۲۰۰ تماس با مرکز اورژانس تهران تعداد ۴۶۴۸ تماس، مزاحم بوده است که متأسفانه این مزاحمت‌ها نسبت به هفته گذشته ۲ برابر شده است. سخنگوی سازمان اورژانس کشور هم اعلام کرده «حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد تماس‌های اورژانس مزاحمان تلفنی هستند.» و عجیب‌تر از آن‌دوست این که رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اهواز خبر داده در یک سال گذشته بیش از ۲۰۷ هزار تماس با سازمان برقرار شده که ۷۵ درصد از تماس‌ها مزاحمت تلفنی بوده است.

یعنی در روزگاری که جمعیت قابل‌توجهی از مردم گرفتار وضعیت معیشتی خود هستند و دارند با نابسامانی‌های اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند ۷۵ درصد تماس‌های آتش‌نشانی یک شهر را مزاحمان تلفنی تشکیل می‌دهند؟ چه لذتی در مزاحمت است؟ تنها در یک سال گذشته به گواه گفته‌های سخنگوی قوه قضاییه ۱۴۶ هزار مزاحمت تلفنی منجر به تشکیل پرونده شده است. هیچ آسیب‌شناسی‌ای در این ارتباط صورت نگرفته و میان بسیاری از فعالان حوزه اجتماعی کسی به این موضوع توجهی نشان نداده که این میل به مزاحمت در این ابعاد از کجا نشات می‌گیرد؟

آیا شاهد یک اپیدمی روانی در جامعه هستیم که می‌خواهد با اعمال خشونت به نام مزاحمت به نوعی خودش را تسکین دهد؟ روان‌شناسان می‌گویند کسانی که جرات و شهامت ندارند، اعتماد به نفس‌شان پایین است و نمی‌توانند راحت حرف‌شان را بزنند از روش پرخاشگری منفعلانه استفاده می‌کنند تا خشم و ناراحتی‌شان را نشان دهند و ایجاد مزاحمت‌های تلفنی هم یکی از این روش‌هاست. با این تعریف، یعنی نزدیک به ۷۵ درصد شهروندان تهرانی اعتماد به نفس هستند؟ فارغ از این مزاحمت‌ها آیا این موضوع نگران‌کننده نیست؟

یادداشت‌های لحظه آخری

لذت مزاحمت! یک شوخی کلامی رایج میان کاربران فعال فضای مجازی وجود دارد که گویای مواجهه شگفت‌آور

آنها در برابر برخی از اخبار است. آنها معمولا پس از این خبر می‌گویند «بعد از این همه چیز تکرار خواهد بود» اما جریانه‌ها اتفاقاتی که آن را نیازمند پژوهش‌های جدی در برابر جرایب جریان این اتفاقات می‌کنند. به این آمارها دقت کنید با این پیش‌فرض که این آمارها مربوط به همین ماه اسفند است. سرپرست اورژانس تهران گفته است از ۲۰ هزار و ۲۰۰ تماس با مرکز اورژانس تهران تعداد ۴۶۴۸ تماس، مزاحم بوده است که متأسفانه این مزاحمت‌ها نسبت به هفته گذشته ۲ برابر شده است. سخنگوی سازمان اورژانس کشور هم اعلام کرده «حدود ۳۰ تا